

ریشه‌های منازعه استراتژیک ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای با نگاهی به دیدگاه مقام معظم رهبری

ابراهیم حاجی‌پور *

محسن محمدی الموتی **

چکیده

در این مقاله سعی بر آن است تا ریشه‌های منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در موضوع هسته‌ای مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. استدلال نوشتار حاضر این است که ریشه اصلی پیدایش و استمرار این منازعه را باید در نوع گفتمان و رویکرد حاکم بر بازیگران درگیر جستجو نمود. رویکرد اصلی آمریکایی‌ها در درازمدت، تحلیل انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل غرب‌محور بوده و در یک استراتژی گام‌به‌گام به دنبال فرسایش مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بوده‌اند. در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، برچینش هسته‌ای به‌عنوان راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا از طریق ابزارهای اجرایی مختلفی چون دیپلماسی اجبار، تحریم، بازدارندگی، سد نفوذ، تهدید به حمله نظامی و عملیات خرابکارانه دنبال می‌شود. در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگ اسلامی، یعنی استقلال‌طلبی و نفی سلطه و انحصار قدرت‌های بزرگ در عرصه فناوری‌های مدرن و دانش‌های نوین، به دنبال بومی کردن صنعت هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای می‌باشد. بنابراین در یک نگاه واقع‌بینانه می‌باید پیدایش و استمرار این منازعه و روندهای موجود را در چارچوب رویارویی عمیق و مبنایی غرب با اسلام و انقلاب اسلامی تحلیل و ارزیابی نمود. در این راستا منازعه ایران و آمریکا در حوزه‌های راهبردی مختلف ناشی از چالش

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: e.hajipoor@alumni.ut.ac.ir)

** عضو هیئت علمی دانشکده شهید محلاتی (m_alamooti@yahoo.com)

عمیق انقلاب اسلامی با نظام سلطه بوده و موضوع هسته‌ای بهانه‌ای برای متوقف کردن روند رشد شتابان انقلاب اسلامی می‌باشد.

کلیدواژگان: فناوری هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، برچینش هسته‌ای، استکبارستیزی.

مقدمه

در خصوص سیاست تغییرناپذیر دولت جمهوری اسلامی در موضوع دستیابی به فناوری بومی هسته‌ای و پافشاری بر این موضوع با وجود تمامی فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، تحلیلگران و نظریه‌پردازان مختلف سیاست خارجی و روابط بین‌الملل با استفاده از رویکردهای مختلف درصدد تبیین برآمده‌اند. در این میان، بسیاری از تحلیلگران با تأکید بر حفظ امنیت فیزیکی دولت جمهوری اسلامی ایران، به نظامی بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران اشاره می‌کنند و انگیزه‌های نظامی برای کسب امنیت و موازنه قدرت در برابر قدرت‌های رقیب را دلیل اصلی سازش‌ناپذیری هسته‌ای این کشور بیان می‌کنند (Kemp, 2003, p.48-58). به‌نظر این دسته از تحلیلگران، سازش‌ناپذیری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران صرفاً برای حفظ امنیت سرزمینی و بازدارندگی منطقه‌ای است؛ چراکه این کشور در یک محیط پراشوب و ناامن منطقه‌ای قرار گرفته و با چالش‌های امنیتی گوناگونی از جمله وجود همسایگان هسته‌ای چون اسرائیل، هند و پاکستان روبه‌روست. براساس این نظر، بیشتر کشورهای نظام بین‌الملل از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی درصددند تا با اعمال فشار و صدور قطعنامه و نیز تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی ایران، این کشور را از فعالیت‌های هسته‌ای خود بازدارند و مانع رسیدن آن به توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی که می‌تواند منجر به تولید سلاح گردد، شوند.

اما بررسی کنش‌های رفتاری ایران مبنی بر پیوستن به کلیه معاهدات منع گسترش تسلیحات کشتارجمعی و نیز رویه این کشور در عدم استفاده از این سلاح‌ها از جمله سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران و همچنین بررسی کنش‌های گفتاری مقامات عالی‌رتبه در خصوص غیرشرعی بودن استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، حاکی از آن است که سلاح‌های هسته‌ای هیچ جایگاهی در رهنامه دفاعی - امنیتی این کشور نداشته است. دلایل برگرفته‌شده

از رهنمودهای مقام معظم رهبری مبنی بر صلح‌آمیز بودن چرخه دانش و فناوری هسته‌ای و حرمت شرعی ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، این موضوع را کاملاً تبیین می‌نماید. از این منظر، مقاله حاضر مدعی است نقطه کانونی اتخاذ رویکرد تقابلی و خصمانه غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در مواجهه با موضوع صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، نگرانی از دستیابی کشورمان به سلاح اتمی یا صرفاً براساس منطق هزینه - فایده نیست؛ بلکه دلیل اصلی این منازعه را می‌بایست در امور بنیادی‌تری جستجو نمود.

بر این اساس تلاش خواهد شد تا در چارچوب نظری تحلیل گفتمان و با نگاهی به نظریه‌ها و اندیشه‌های مقام معظم رهبری به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که ریشه بنیادین منازعه آمریکا و ایران در موضوع هسته‌ای و استمرار آن کدام است؟ در پاسخ به سؤال فوق، این فرضیه مطرح می‌گردد که دلیل اصلی شکل‌گیری و استمرار منازعه میان ایران و غرب به‌ویژه آمریکا در موضوع هسته‌ای، ناشی از تضاد گفتمانی و نظام معنایی است که هویت آنها براساس آن شکل گرفته است. گفتمان حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران یک گفتمان ارزشی - هنجاری است؛ از این رو هویت خود را از همان ابتدای وقوع انقلاب اسلامی در تضاد با گفتمان مادی‌گرایی لیبرال دموکراسی غرب تعریف کرده است؛ چنان‌که این روند در مورد آمریکا نسبت به ایران نیز مصداق دارد. با این توضیحات باید گفت تا زمانی که این منازعه گفتمانی در روابط ایران و آمریکا و به‌طور کلی مجموعه غرب فعال باشد، مناقشه هسته‌ای نیز استمرار خواهد یافت. اگرچه با اتخاذ تاکتیک‌های موضعی و موقتی مانند راهبرد نرمش قهرمانانه از طرف ایران و پذیرش حق غنی‌سازی ایران از طرف غرب، ممکن است سطح تنش‌ها کاهش یابد، اما در درازمدت، این تنازع و درگیری‌ها همچنان استمرار خواهد داشت.

یک. رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نقطه عطفی در نظام بین‌الملل، آمریکایی‌ها همواره در تقابل با این گفتمان جدید، حکومت و دولت ایران را با عناوینی همچون دولت توسعه‌طلب و مخل نظم بین‌الملل، ناقض حقوق بشر، گسترش‌دهنده تسلیحات کشتار جمعی، حامی تروریسم، دولت یاغی و سرکش و عضوی از محور شرارت

توصیف کرده و پروژه امنیتی کردن ایران و محیط ژئوپلتیکی پیرامون آن را دنبال کردند. به‌طور مشخص در حوزه مسئله هسته‌ای، این اتهام‌زنی و تقابل از غلظت بیشتری برخوردار بوده است؛ درحالی‌که از نظر تاریخی، آمریکا در چارچوب انگیزه‌ها و اراده سیاسی حاکم بر کشور خود و نظام ارزشی حاکم در دوره پهلوی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مورد حمایت و تشویق قرار می‌داد؛ اما به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، این روند دست‌خوش تغییر بنیادین گردید. از سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳م) نیز - که ایران موفق شد ماده اصلی غنی‌سازی را تولید نماید - به مدت یک دهه اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، جلوگیری از اعطای اعتبارات بین‌المللی، محدودیت صدور دانش فنی و حذف فیزیکی نخبگان و دانشمندان هسته‌ای کشور در دستور کار آمریکایی‌ها قرار گرفت.

با توجه به نگرش کلان امنیتی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی و اقدامات صورت‌پذیرفته در این رابطه، این گزاره مطرح می‌گردد که سیاست آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران از دوران پس از انقلاب، برچینش هسته‌ای بوده است. سیاست برچینش هسته‌ای بر محور برنامه هسته‌ای یک کشور از طریق تشویق، تهدید، ارعاب، فشار و در نهایت اقدام به تخریب فیزیکی از طریق تهدید قدرت نظامی مبتنی است. در طول ۳۶ سال پس از انقلاب اسلامی، واشنگتن همواره با حمایت متحدین خود و با استفاده از ابزارهایی همچون دیپلماسی، تحریم، بازدارندگی، سد نفوذ، حمله و تهدید به حمله نظامی و ایجاد تخریب فیزیکی^۱ با هدف به تأخیر انداختن فرایند چرخه سوخت هسته‌ای، سعی در به اجرا درآوردن این سیاست در مورد برنامه هسته‌ای ایران داشته و دارد. بررسی روندها و فرایندهای چند دهه اخیر نشان می‌دهد این سیاست همچنان در دستور کار اتاق‌های فکر، اندیشکده‌ها و سیاست خارجی ایالات متحده می‌باشد.

مقام معظم رهبری در همین رابطه با تحلیل کلان موضوع معتقد است بنیادی‌ترین هدف و خواست آمریکا در چالش طولانی مدت هسته‌ای، «ریشه‌کنی صنعت هسته‌ای ایران» است:

۱. اقداماتی از قبیل حمله سایبری از طریق ویروس «استاکس نت» به تأسیسات هسته‌ای، انجام عملیات‌های شناسایی از طریق پهادهای جاسوسی و ترور دانشمندان هسته‌ای.

«هدف اینها (آمریکایی‌ها) ریشه‌کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای در کشور است؛ هدف این است، دنبال این هستند؛ قصدشان این است که ماهیت هسته‌ای کشور را از بین ببرند ... اینها قصد دارند نگذارند این حرکت هسته‌ای کشور، صنعت هسته‌ای یک کشور با اهدافی که نظام جمهوری اسلامی دارد، تحقق پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30069>).

دو. راهبردها و ابزارهای ایالات متحده برای برجینش هسته‌ای ایران

به‌طور اصولی برای شناخت سیاست یک کشور در رابطه با نحوه برخورد با موضوع خاص، باید رفتارهای آن کشور پیرامون آن موضوع را مورد بررسی قرار داد. این کار نیز جز از طریق ارزیابی سیاست‌ها و ابزارهای به‌کار گرفته شده توسط آن کشور در مورد آن موضوع امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این راستا برای فهم بهتر سیاست آمریکا در برابر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی که رهبر معظم انقلاب از آن به‌عنوان «برجینش» یاد می‌کند، چاره‌ای جز بررسی اقدامات و رفتارهای گذشته و حال این کشور در برخورد با این مسئله وجود ندارد. به همین جهت در راستای بررسی رویکرد کلان ایالات متحده، ضرورت دارد اشاره‌ای کوتاه به برخی گزینه‌ها و ابزارهایی که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است، صورت گیرد.

۱. دیپلماسی

بسیاری بر این باورند که ادعاهای مقامات کاخ سفید مبنی بر تلاش برای حل مشکلاتش با تهران به‌طور کلی و مناقشه هسته‌ای این کشور به‌طور خاص، صرفاً جنبه تاکتیکی داشته و در اصل شعاری بیش نبوده و نیست (Leverett & Ledeen, 2010, p.6-8). در میان این دسته، طیفی از افراد مختلف با مبانی فکری متنوع - از لیبرال‌ها تا رئالیست‌ها - وجود دارند. لیبرال‌های این طیف با رجوع به منشأ فکری خود، به دیپلماسی به‌عنوان ابزاری با توان ستودنی برای حل و فصل مناقشات در نظام بین‌الملل می‌نگرند. آنها معتقدند احترام به استقلال طرف مقابل از شروط اصلی یک دیپلماسی موفق‌آمیز است؛ درحالی‌که آمریکایی‌ها این شرط را در مورد ایران رعایت نمی‌کنند. جرمی هاموند سردبیر نشریه **فارین پالیسی** می‌گوید: به‌نظر من برنامه هسته‌ای

ایران صلح‌آمیز است و دلیل اینکه این برنامه به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده و در روندی فرسایشی به فرجام نرسیده این است که ایران به‌عنوان کشوری مستقل نمی‌خواهد از دستورات واشنگتن پیروی نماید (Hammond, 2011, p.1-2). تعداد زیادی از صاحب‌نظران و اندیشمندان تفکر رئالیستی نیز بنابر اهمیتی که برای دیپلماسی - به‌عنوان ابزاری در جهت حل مناقشات و حفظ وضع موجود و همچنین توازن قوا - قائل‌اند، بر این باورند که آمریکا نباید در رابطه با مسئله هسته‌ای به ایران فشار بیاورد؛ چون تهدید و در بن‌بست قرار دادن این کشور باعث می‌شود ایرانی‌ها با تشدید معمای امنیت مواجه شوند و در نتیجه به سمت تسریع برنامه‌های نظامی و هسته‌ای برای تأمین امنیت و بقای خود بروند. استفان والت در رد ادعای درزنر که زمانی گفته بود در رابطه با ایران دو راه بیشتر باقی نمانده: یکی اقدام پیش‌دستانه و دیگری پذیرش ایران هسته‌ای (Drezner, 2009, p.4)، استدلال می‌کند که ایران برای برنامه هسته‌ای خود هزینه‌های زیادی متحمل شده، و نیز این برنامه محبوبیت داخلی دارد و تحت قوانین ان.پی.تی است؛ پس نباید انتظار داشته باشیم از برنامه هسته‌ای خود دست بردارد. وی معتقد است برای منصرف کردن ایران از تعقیب برنامه سلاح‌های هسته‌ای، آمریکا باید تهدیدات امنیتی محیط ژئوپلیتیکی این کشور را کاهش دهد، نه اینکه دائماً این کشور را تهدید نماید. از دید والت، اگر آمریکا واقعاً به‌دنبال دیپلماسی است، باید در گام اول نیاز ایران به بازدارندگی را از بین ببرد، مسائل امنیتی خود با ایران را حل و فصل نماید، سیاست هویج و چماق را کنار بگذارد و ایران را متقاعد کند که داشتن قابلیت تولید سلاح‌های هسته‌ای بدون هزینه و ریسک نخواهد بود. به‌نظر این اندیشمند رئالیست، حتی اگر ایران به سلاح هسته‌ای هم دست پیدا کند، آمریکا توانایی مهار آن را دارد.

(http://walt.foreignpolicy.com/posts/2009/03/19/a_realistic_approach_to_irans_nuclear_program, 2009)

عده دیگری نیز معتقدند آمریکا باید به‌دنبال راهی باشد تا یک بار برای همیشه به اختلافاتش با تهران خاتمه دهد. مک فائول و دیاموند در یک طرح پژوهشی، استراتژی توافق گسترده^۱ را در مورد مناقشه هسته‌ای ایران مطرح می‌کنند. از نظر آنها تنها راهی که در بلندمدت به حل تهدید هسته‌ای ایران کمک می‌کند، شکل‌گیری دموکراسی در این کشور

است. در این راستا به واشنگتن توصیه می‌کنند به سیاست‌های تقابلی‌گرایانه خود در برابر ایران - که پیشرفت محسوس و قابل توجهی نداشته - پایان دهد، گزینه‌های نظامی و تغییر رژیم را رها کند، به تحریم‌ها پایان دهد، مستقیماً با تهران وارد مذاکره شود، از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی استقبال کند، سرمایه‌گذاری در ایران را تشویق و دارایی‌های بلوکه‌شده این کشور در آمریکا را آزاد کند و کمک کند ترتیبات امنیتی منطقه با حضور تمام کشورهای منطقه شکل بگیرد. از سوی دیگر، ایران نیز باید برنامه ساخت سلاح‌های هسته‌ای خود را متوقف کند (در صورت داشتن چنین برنامه‌ای)، حمایت از گروه‌های تروریستی را پایان دهد و اصول حقوق بشر و نظارت سازمان‌های حقوق بشری را بپذیرد. به نظر آنها در صورت اجرا شدن این استراتژی (توافق گسترده)، چه ایران آن را بپذیرد و چه نپذیرد برنده اصلی آمریکاست. اگر ایران پذیرفت، به سوی دموکراسی پیش خواهد رفت و در آن صورت اگر حتی سلاح هسته‌ای هم داشته باشد، برای آمریکا خطری نخواهد داشت؛ اما اگر نپذیرفت، هم مشروعیت داخلی رژیم ایران زیر سؤال می‌رود و هم زمینه مشروعیت اقدامات سخت‌تر آمریکا علیه ایران فراهم می‌شود (McFaul et al, 2006, p.2).

شورای روابط خارجی آمریکا در سال ۲۰۰۴م به سرپرستی رابرت گیتس و زیگنیو برژینسکی پروژه‌ای را در رابطه با چگونگی برخورد با ایران به انجام رساند. محققین این پروژه به این نتیجه رسیده‌اند که لحظه انتخاب رهیافت جدید نسبت به ایران فرارسیده است. مبنای رهیافت جدید بر این اساس است که آمریکا باید به سمت تعامل با ایران حرکت کند، تحریم‌ها را کنار بگذارد، از تهدید تهران به تغییر رژیم دست بردارد، معامله بزرگ^۱ با تهران انجام دهد و تلاش کند ایران را به جامعه بین‌المللی گره بزند. از نظر آنها ایران در مرکز قوس بحران^۲ منطقه غرب آسیا قرار گرفته و می‌تواند نقش مهمی در باثبات‌سازی منطقه ایفا نماید. همچنین این کشور در قلب ذخایر انرژی جهان (بیضی استراتژیک) قرار گرفته و می‌تواند در تأمین امنیت انرژی نقش ممتازی ایفا کند. علاوه بر این، ایران به دلیل داشتن سابقه دموکراسی، پتانسیل تبدیل شدن به الگو برای کشورهای منطقه را دارد.

1. Grand Bargain.
2. Arc of Crisis.

به هر حال در مورد اهمیت و مزیت دیپلماسی در حل و فصل مناقشه هسته‌ای ایران تردیدی وجود ندارد، اما در نهایت آمریکایی‌ها از دیپلماسی چه می‌خواهند؟ آیا هدف آنها صرفاً جلوگیری از ساخت سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران است، یا اینکه در پوشش این سیاست، راهبردهای دیگری را دنبال می‌نمایند؟ از نظر آنها غنی‌سازی، بازآوری و فعالیت‌های مربوط به آب سنگین، مواردی است که می‌تواند دسترسی ایران به قابلیت‌های ساخت سلاح را امکان‌پذیر نماید. اما اینها همه خواسته‌های مقامات آمریکایی نیستند. آنها خواسته‌های دیگری نیز دارند که در مذاکرات سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵م با ایران بر آن پافشاری می‌کنند؛ خواسته‌هایی چون همکاری کامل با سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و پذیرش پروتکل الحاقی به‌منظور بازرسی‌های سرزده از هر نقطه و مکان مورد سوءظن، دسترسی درازمدت به زنجیره تأمین و به‌دست آوردن اشراف اطلاعاتی کامل برای ایجاد اختلال در روند توسعه صنعت بومی هسته‌ای ایران و در نهایت تحمیل محدودیت‌های شدید فراپروتکلی با هدف برچینش هسته‌ای در یک روند تدریجی و گام‌به‌گام. بنابراین می‌توان گفت آمریکایی‌ها در رابطه با ایران نوعی دیپلماسی اجبار را اختیار کرده‌اند که هدف نهایی آن برچینش هسته‌ای است. در این راستا مقاومت جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ناتوانی آمریکایی‌ها از اجرای استراتژی برچینش با استفاده از دیپلماسی، تاکنون یکی از دلایل استمرار مناقشه هسته‌ای ایران بوده است.

۲. بازدارندگی

بازدارندگی به‌عنوان یک ابزار راهبردی در مدیریت الگوهای رفتاری کشورها در نظام بین‌الملل، یکی دیگر از گزینه‌هایی است که آمریکا در برخورد با ایران و به‌منظور برچینش هسته‌ای در دستور کار قرار داده است. هواداران سیاست بازدارندگی در برابر ایران به دو طیف تقسیم می‌شوند: طیف اول، برخی اندیشمندان تفکر رئالیستی هستند که از این گزینه به‌عنوان یک انتخاب مستقل حمایت می‌کنند و هدفشان از بازدارندگی، لزوماً برچینش هسته‌ای نیست. برای مثال، فرید زکریا - به‌عنوان یکی از طرفداران نظریه رئالیسم تهاجمی - به گزینه بازدارندگی در برابر ایران به‌عنوان یک سیاست مستقل نگاه می‌کند. وی عقیده دارد بازدارندگی و سد نفوذ در برابر ایران کارساز است، همان‌گونه که در برابر کره شمالی، شوروی و چین کمونیست کارساز بوده

است. به عقیده زکریا اینکه گفته می‌شود رهبران ایران برمبنای عقلانیت تصمیم‌گیری نمی‌کنند و ممکن است از سلاح هسته‌ای استفاده کنند، اشتباه است؛ چراکه در حکومت‌های محافظه‌کار، رهبران به حفظ حیات و قدرت خود می‌اندیشند و به همین خاطر خویشتن‌داری می‌کنند (Sagan, Waltz & Betts, 2007, p.16-17).

اما گروه دوم که شامل طیف گسترده‌تری می‌شوند، به بازدارندگی به‌عنوان گزینه مکمل - نه مستقل - نگاه می‌کنند. در واقع برای بیشتر محققان و مجریان سیاست خارجی آمریکا، بازدارندگی نه به‌عنوان گزینه مستقل، بلکه به‌عنوان ابزاری در کنار سایر انتخاب‌ها مطرح است. به‌عنوان نمونه، زاکرمن با توجه به گسترش قدرت و نفوذ ایران در منطقه، فاقد اعتبار بودن گزینه نظامی در رابطه با این کشور - به‌دلیل مشکلات آمریکا در منطقه - و نبود اجماع در مورد تحریم‌ها و نحوه اعمال آنها، پیشنهاد می‌دهد آمریکا به متحدانش در همسایگی ایران در جهت تأسیس ایستگاه‌های دفاع موشکی کمک کند، روکش امنیتی برای آنها ایجاد نماید و به آنها اطمینان دهد در امان هستند. همچنین باید درصدد ایجاد اجماع جهانی برای تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده - شدیدتر از آنچه بعد از بحران موشکی (۱۹۶۲م) بر کوبا تحمیل شد - علیه این کشور باشد (<http://www.usnews.com/opinion/mzuckerman/articles/2010/06/25/3-steps-to-stop-iran-from-getting-a-nuclear-bomb>).

در مورد نسبت میان سیاست بازدارندگی و برچینش به‌نظر می‌رسد سیاستمداران آمریکایی برخلاف آنچه صاحب‌نظران تفکر رئالیسم اعتقاد دارند - بازدارندگی بعد از هسته‌ای شدن - تلاش دارند با اجرای سفت و سخت حربه بازدارندگی، از طریق در انزوا و بن‌بست قرار دادن جمهوری اسلامی ایران، هزینه هسته‌ای شدن را برای این کشور افزایش دهند، به‌گونه‌ای که حکومت ایران احساس کند در حال از دست دادن قدرت بازدارندگی متعارف خود در منطقه است. از نظر آنها، این به نوبه خود باعث می‌شود تا ایران، هسته‌ای شدن را به‌عنوان عاملی برای کاهش توان و امنیت خود ببیند و در نتیجه از فرایند هسته‌ای شدن عقب‌نشینی کند.

۳. سد نفوذ

از دیگر گزینه‌های آمریکا به‌منظور فشار بر ایران برای دست برداشتن از برنامه هسته‌ای خود، سد نفوذ است. سیاست سد نفوذ اولین بار در زمان جنگ سرد از طرف آمریکایی‌ها و به‌منظور

جلوگیری از نفوذ کمونیسم به مناطق مختلف جهان مطرح شد. ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای مثل ناتو، کمک اقتصادی به کشورهای ضعیف برای مقابله با کمونیسم و به راه انداختن جنگ‌های نیابتی^۱، از جمله ابزارهای اجرای این سیاست بودند. بررسی مجموعه فعل و انفعالات آمریکایی‌ها در محیط پیرامونی ایران در منطقه آسیای غربی بعد از انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده تلاش برای مهار ایران با این سیاست می‌باشد. حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، ورود مستقیم به جنگ با ایران در اواخر همین جنگ، تشویق کشورهای حوزه خلیج فارس به ایجاد اتحادهای امنیتی و نظامی در برابر جمهوری اسلامی ایران (مانند شورای همکاری خلیج فارس)، طرح و اجرای سیاست مهار دوجانبه ایران و عراق در زمان ریاست جمهوری کلینتون، قرار دادن ایران در گروه به اصطلاح محور شرارت توسط بوش پسر و تلاش برای افزایش تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، به راه انداختن جنجال بین‌المللی علیه ایران در بحث هسته‌ای و تلاش برای تصویب قطعنامه‌های ضد ایرانی از سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰م در شورای امنیت سازمان ملل، همه از نشانه‌های سیاست سد نفوذ آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌روند.

از طرفی آمریکایی‌ها با حضور مستقیم و گسترده نظامی در مناطق پیرامونی ایران و ایجاد ائتلاف در بین کشورهای منطقه و تجهیز آنها به سلاح‌های پیشرفته، سعی در امنیتی ساختن فضای ژئوپلیتیکی ایران دارند تا از این طریق جمهوری اسلامی را از تعقیب سیاست‌های هسته‌ای بازدارند و هزینه‌های توسعه صنعت هسته‌ای را افزایش دهند.

۴. تشدید تحریم‌ها

افزایش و تشدید تحریم‌های فلج‌کننده به‌منظور تحمیل فشارهای مضاعف برای بالا بردن هزینه‌های دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای، از دیگر گزینه‌های آمریکا جهت تسلیم ایران به گزینه برچینش هسته‌ای است. در مورد دلایل اتخاذ سیاست تحریم علیه ایران، زهرانی معتقد است چون ایران هجدهمین کشور دنیا - به‌لحاظ منابع قدرت - است و نمی‌تواند لقمه مناسبی برای حمله نظامی باشد، هدف از تشدید تحریم‌ها، مهار این کشور در شرایط فعلی است (زهرانی،

۱۳۸۹، ص ۷۸-۴۷). گفته می‌شود تاکنون گزینه تحریم در رابطه با جمهوری اسلامی ایران همیشه دو هدف متغیر داشته است: یکی تغییر رژیم و دیگری تغییر رفتار (همو، ۱۳۸۷، ص ۱۱-۱۰). بیشتر جمهوری خواهان آمریکا به تحریم‌ها با هدف اول - یعنی تغییر رژیم - نگاه می‌کنند و دموکرات‌ها معمولاً به هدف دوم توجه دارند؛ یعنی تغییر رفتار جمهوری اسلامی در پیگیری سیاست هسته‌ای از طریق تشدید تحریم‌ها.

سیاست تحریم طرفداران بسیار بیشتری نسبت به گزینه‌های دیگر دارد. بسیاری از مقامات کنونی کاخ سفید و متحدانشان در رابطه با برچینش هسته‌ای ایران به این گزینه امید بسته‌اند. آمریکا در حال حاضر نمی‌تواند وارد جنگ دیگری شود؛ چون از لحاظ داخلی و بین‌المللی اوضاع مناسبی ندارد. بنابراین بسیاری پیشنهاد می‌دهند آمریکا به‌طور کامل گزینه نظامی را در برخورد با ایران کنار بگذارد و به تشدید تحریم‌ها به کمک متحدانش برای محدود کردن توان هسته‌ای این کشور بسنده کند (Fuhrman & Sechser, 2011, Takeyh, 2011, p.16-21). البته در مورد چگونگی اعمال تحریم‌ها نه در عرصه نظری و نه در مقام عمل، اجماعی وجود ندارد. عده‌ای به آن به‌عنوان یک متغیر مستقل نگاه می‌کنند و معتقدند اجرای این گزینه به‌صورت منسجم، یکپارچه و هوشمند می‌تواند به برچینش هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بینجامد. در مقابل، عده‌ای دیگر - که تعدادشان هم زیاد است - به این گزینه به‌عنوان انتخابی بسیار مناسب در کنار سایر گزینه‌ها و به‌عنوان مکمل دیگر سیاست‌ها نگاه می‌کنند. همچنین در مورد شیوه اجرای تحریم‌ها نیز توافق و اجماعی وجود ندارد. بسیاری از محققان و سیاستمداران آمریکایی معتقد به آب‌پز کردن^۱ ایران با در پیش گرفتن استراتژی تحریم تدریجی هستند (http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,1151823,00.html,2006). برخی هم تمایل به تحریم‌های فلج‌کننده، آبی و زجرآور دارند. از نظر اینها، رفتار تهران را با تحریم‌های غیر قابل پیش‌بینی و اقدامات سریع، زودتر و بهتر می‌توان تغییر داد؛ همان‌گونه که ضربات آمریکا در سال ۱۹۸۸م منجر به پذیرش آتش‌بس و قطعنامه ۵۹۸ از طرف این کشور شد (http://shadow.foreignpolicy.com/posts/2010/02/28/incremental_sanctions_make_a_nuclear_i

(ran_more_likely, 2010). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به فراگیر بودن و اجرای سختگیرانه تحریم‌ها در سال‌های اخیر و شکنندگی و آسیب‌پذیری ساختارهای اقتصادی ایران، آمریکایی‌ها تمایل خواهند داشت همچنان از این گزینه به‌عنوان یک ابزار راهبردی جهت برچیدن صنعت هسته‌ای ایران بهره‌برداری نمایند.

۵. تهدید به حمله نظامی

احتمال حمله نظامی به ایران، یکی دیگر از گزینه‌های مطرح آمریکایی‌ها به‌منظور استراتژی برچینش هسته‌ای است. مقامات آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند که هیچ گزینه‌ای حتی حمله هسته‌ای را در رابطه با جمهوری اسلامی از دستور کار خود خارج نکرده‌اند (http://www.nytimes.com/2010/04/06/world/06arms.html, 2010). بیشتر طرفداران حمله نظامی، تندروهایی هستند که یا اعتقادی به معجزه دیپلماسی ندارند، یا به کارآیی سایر گزینه‌ها در برخورد با تهران شک دارند (Rubin, March 4, 2010, p.13). حامیان گزینه نظامی عمدتاً دو دسته‌اند: گروه کوچکی از جنگ کلاسیک تمام‌عیار علیه ایران حمایت می‌کنند، و دسته دیگر هوادار جنگ محدود علیه زیرساخت‌های هسته‌ای و در صورت نیاز، زیرساخت‌های حیاتی و حساس این کشور هستند. طیفی از حامیان اسرائیل و برخی نومحافظه‌کاران به‌شدت از حمله گسترده به ایران استقبال می‌کنند. آنها در این خصوص به خیل عظیمی از تهدیدات احتمالی تهران علیه امنیت جهانی، موجودیت اسرائیل و اعتبار آمریکا اشاره می‌کنند.

افزایش اینبار بر ترس ناشی از تبدیل شدن ایران هسته‌ای به هژمونی نفتی تأکید می‌کند. از نظر وی، ایران در مرکز بیضی استراتژیک^۱ جهان قرار گرفته - منطقه‌ای که بیش از ۷۰ درصد از ذخایر نفتی اثبات‌شده و نیز بیش از ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهانی را در خود جای داده است - که در صورت هسته‌ای شدن، قابل سد شدن نیست (Inbar, 2006, p.2). ریچارد وایتمن مدیر توسعه استراتژیک مجمع کنست (پارلمان اسرائیل)، از هزینه‌بر بودن سیاست بازدارندگی برای اقتصاد اسرائیل می‌گوید. از نظر وی، اقتصاد اسرائیل بیش از این ظرفیت تحمیل هزینه‌های

1. Energy ellips.

بازدارندگی ندارد. وایتمن بر آن است که در چنین شرایطی نباید منتظر هلوکاست دیگر ماند و باید بدون محاسبه میزان موفقیت اقدام کرد

(<http://www.israelnationalnews.com/Articles/Article.aspx/10507>, 2011).

در برابر طرفداران جنگ گسترده و تمام‌عیار، عده‌ای بر ایده حمله محدود به تأسیسات هسته‌ای ایران تأکید دارند. اینها به دلایلی از جمله وضعیت نابسامان آمریکا در عراق و افغانستان، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و خصیصه‌های ملی ایرانیان و پیامدهایی که جنگ تمام‌عیار برای منطقه و جهان در پی خواهد داشت، حمله گسترده را واقع‌بینانه نمی‌دانند. در این رویکرد، تغییر بنیادی در ایران به‌عنوان هدف مطرح نیست، بلکه تغییر رفتار حکومت ایران و تضعیف این کشور به‌منظور کشاندن آن پای میز مذاکره مدنظر است.

۶. عملیات تأخیر

به تأخیر انداختن، استراتژی‌ای است که اتخاذکننده آن درصدد ایجاد تأخیر در فرایند رشد طرف مقابل در زمینه خاصی است، که معمولاً با ابزارهایی همچون دیپلماسی، تهدید، فشار یا در نهایت عملیات تأخیری^۱ به مرحله اجرا درمی‌آید. در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران، طرفداران این گزینه به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی معتقد به استفاده از ابزارهای سخت به‌منظور به تأخیر انداختن فرایند هسته‌ای ایران هستند و دسته دیگر نیز بر استفاده از ابزارهای نرم یا جنگ‌های اطلاعاتی و سایبری در این راستا تأکید دارند. ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، تهدید، تطمیع یا تحریم آنها، ارسال ویروس به درون تأسیسات هسته‌ای، جلوگیری از ورود تکنولوژی هسته‌ای به ایران، تحریم فروش ابزارهای با کاربرد دوگانه به این کشور و در نهایت، طرح امکان بمباران مراکز هسته‌ای، تعدادی از ابزارهایی هستند که تاکنون برای اجرای این استراتژی به‌عنوان گزینه مستقل مورد نظر آمریکا و متحدانش بوده‌اند (Fiore, 2011, p.11-18).

سه . رویکرد جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای

با مروری بر ادبیات و آثار منتشر شده در خصوص رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوع هسته‌ای - چه آثار منتشر شده در سطح داخل و چه آثار انتشار یافته توسط تحلیلگران خارجی و غربی - عمدتاً می‌توان آنها را در دو گروه جای داد: گروه اول مربوط به تحلیل‌های اقتصادمحور ملهم از نظریات لیبرالیستی و گروه دوم تحلیل‌های امنیت‌محور ملهم از نظریات واقع‌گرایانه و نواقع‌گرایانه روابط بین‌الملل می‌باشد. این سنخ از تحلیل‌ها با توجه مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خود غالباً بدون توجه به ساختارهای معنایی و انگاره‌ای و با در نظر گرفتن دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنش‌گر عقلانی صرف، برای این دولت منافع مادی از پیش تعیین‌شده‌ای را تعریف کرده و سیاست هسته‌ای کشور را نیز در همین راستا تبیین می‌نماید. این در حالی است که با توجه به محیط ادراکی و تحولات گفتمانی بعد از انقلاب اسلامی، در تبیین رویکردهای جمهوری اسلامی به موضوعات مختلف از جمله موضوع هسته‌ای باید به رویکرد دیگری توجه کرد که جنبه علی نداشتن و کاملاً تکوینی و قوام‌بخش به سیاست‌گذاری‌ها در حوزه‌های موضوعی خاص می‌باشد. بنابراین در این قسمت، ریشه‌های استمرار منازعه در چارچوب روش تحلیل گفتمان مورد توجه قرار خواهد گرفت.

برای بررسی گفتمان انقلاب اسلامی در سیاست خارجی به معنای اعم و موضوع هسته‌ای به معنای خاص، نیازمند تعریف روشنی از هسته مرکزی منظومه گفتمانی انقلاب (دال مرکزی) در این خصوص هستیم. هسته اصلی یا دال مرکزی در بعد نظری، مفهومی کلی است که تمام یا بخشی از ساختمان یک گفتمان برپایه آن ابتدا یافته است؛ به‌گونه‌ای که اگر کوچک‌ترین خدشه‌ای به آن وارد شود یا نقض گردد، موجودیت یا هویت آن گفتمان به خطر خواهد افتاد. به‌عنوان مثال نمی‌توان تصور کرد که بر مبنای قانون اساسی و چارچوب سیاسی فعلی، انگلستان کمونیست شود یا ژاپن ضد سرمایه داری شود. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و قانون اساسی، دال مرکزی یا هسته مرکزی منظومه گفتمانی آن، مفهومی است به نام «استکبارستیزی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» که در فرهنگ اسلامی تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» از آن یاد می‌شود. در همین راستا یکی از محورهای اساسی در آرا و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، مفهوم استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و مخالفت با هژمونی

و سلطه فرهنگ و تمدن غرب بر جوامع اسلامی، به‌ویژه انقلاب اسلامی می‌باشد. بدون تردید مفهوم استکبارستیزی و مخالفت با تقسیم جهان به دو قطب سلطه و تحت سلطه توسط ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷، در حال حاضر تحولات بزرگی را در نظام آگاهی جهانی به‌دنبال داشته و محور اصلی تنازع بین ایران و غرب نیز دقیقاً در همین چارچوب مبتنا یافته است. برخی سخنان رهبر معظم انقلاب ناظر به این مطلب این چنین است:

«... بنده عقیده‌ام این است که اگر حتی در مسئله هسته‌ای هم همان‌چور که آنها دیکته می‌کنند ما پیش برویم و قبول کنیم دیکته آنها را، باز هم حرکت مخرب آنها و تحریم‌های آنها برداشته نخواهد شد؛ انواع و اقسام مشکلات را باز هم درست می‌کنند؛ چون با اصل انقلاب مخالفاند»
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28974>).

«دشمنی دشمنان ما به‌خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه، مسئله هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است. آنها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و باج‌گیرها و زورگویان عالم منصرف کنند؛ البته این اتفاق نخواهد افتاد»
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26468>).

«... تحریم و فشار ناشی از موضوع هسته‌ای نیست، بلکه آنها با هویت مستقل ملت ایران و جمهوری اسلامی که از ایمان و اعتقاد اسلامی سرمنشأ می‌گیرد، و همچنین با افق‌های آینده این ملت و نظام و زیر بار حرف زور نرفتن آنها مخالفند...» (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26109>).

شاخص‌های رفتاری ایران در چالش دوازده‌ساله هسته‌ای برگرفته از منطق انقلاب اسلامی بوده است. بر همین اساس استراتژی هسته‌ای ایران دارای اصول ثابتی است که در ادوار مختلف تداوم یافته و با وجود تغییر رهیافت‌ها در دولت‌های مختلف، این اصول، الزامات خاص خود را بر کارگزاران تحمیل نموده است. رهبر معظم انقلاب در همین رابطه می‌فرماید:

«چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی برای بشریت ارائه کرده؛ پیام این انقلاب، پیامی بود که نمی‌تواند و نمی‌توانست در مرزهای ایران منحصر [و محصور] بماند. این پیام، مقابله با نظام سلطه است؛ نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم است. منطق انقلاب که منطق اسلام است، "لا تظلمون و لا تظلمون" (بقره، ۲۷۹) است. چالش اصلی اینجاست، بقیه حرف‌ها بهانه است. مسئله انرژی هسته‌ای را در این چارچوب باید نگاه کرد» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033>).

۱. مفروضات گفتمان انقلاب اسلامی در رابطه با انرژی هسته‌ای

در تحلیل کلان مناقشه هسته‌ای در چارچوب رویکرد گفتمانی، یک‌سری مفروضات وجود دارد که اگر به‌دقت آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، بیشتر به ریشه‌های مناقشه دامن‌دار ایران و غرب در این موضوع پی خواهیم برد. در ادامه این مفروضات بنیادین در آرا و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱-۱. تولید علم

تأثیر بنیادین و حساس نظام تولید علم در پایداری و پویایی گفتمان انقلاب اسلامی به اندازه‌ای است که می‌توان گفت همه چیز به آن بستگی دارد و در گرو کارآمدی و استحکام آن است. انقلاب اسلامی که مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزشی آن از ریشه و بنیاد با سلطه نظام سرمایه‌داری غرب در تضاد و چالش است، چگونه می‌تواند نظام تولید علم و دانش خویش را از آنها اقتباس کند و با نظام تولید علم سکولاریستی، نظام اسلامی را استحکام بخشد؟ بنابراین تولید دانش در کشور، نشانه توانمندی نظام در خصوص درنوردیدن مرزهای علمی نوین بوده و بدون تردید تولید دانش یکی از مهم‌ترین فرایندهای مدیریت دانش نیز به حساب می‌آید. در این میان علوم و فنون هسته‌ای جزو فناوری‌های پیشرفته و مدرن در عصر کنونی می‌باشد. امروزه تأثیر این علوم در گسترش دانش بشری، تسلط بر طبیعت، تأمین رفاه و پیشرفت زندگی بشر غیر قابل تردید بوده و به‌درستی می‌توان آن را از عناصر و محورهای اصلی توسعه پایدار و

از عوامل مهم اقتدار کشور به‌شمار آورد. مقام معظم رهبری نیز همواره در سخنان خود نسبت به اهمیت و ابعاد اساسی تولید دانش متذکر شده‌اند:

۱-۱-۱. دانش هسته‌ای و مرجعیت علمی

«کشور باید به عزت علمی برسد. هدف باید مرجعیت علمی در دنیا باشد؛ باید به آنجا برسد که جوینده دانش، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما، مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کنند...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=4992).

۱-۱-۲. اقتدار علمی و تولید بومی علم

«... علم درون‌زاست که اقتدار می‌بخشد. اینکه مسئله تولید علم و شکستن مرزهای علم مطرح شد، به‌خاطر این است و باید این را جدی بگیرید...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=3382).

۱-۱-۳. جهاد علمی و تقویت علم در داخل کشور

«... اگر حرکت علمی در فناوری هسته‌ای با قدرت و جدیت ادامه یابد، طیف متنوعی از فناوری‌ها، با شتاب به‌وجود خواهد آمد. بنابراین مطلقاً در زمینه حرکت علمی هسته‌ای، امکان توقف یا کند شدن وجود ندارد...» (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26109>).

۱-۲. فناوری هسته‌ای، ابعاد اثباتی و ایجابی

مقام معظم رهبری در سخنان خود بارها تأکید نموده‌اند که قضیه هسته‌ای از مظاهر دفاع از عزت، اعتماد به نفس و ایستادگی (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11845>) ملت ایران است که دستیابی به آن کاری بزرگ‌تر از ملی شدن صنعت نفت بوده (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3378>) و به‌منظور توسعه کشور (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1584>) و به‌عنوان دستاوردی بومی، مایه افتخار ملت ایران و دنیای اسلام می‌باشد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3374>). ایشان معتقدند موضوع هسته‌ای فقط مسئله امروز کشور ما نیست، بلکه مسئله آینده و سرنوشت کشور ماست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3331>) و عقب‌نشینی از آن به‌معنای شکستن استقلال کشور است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3329>).

۱-۲-۱. اثبات اقتدار ایران

«... یکی از مظاهر دفاع از عزت، همین مسئله انرژی هسته‌ای است. مسئله انرژی هسته‌ای برای ما فقط این نبود که ما می‌خواستیم یک فناوری داشته باشیم، دیگران خواستند ما نداشته باشیم؛ این فقط بخشی از قضیه است. بخش دیگر قضیه این بود که قدرت‌های گوناگون، پررو، متجاوز، زورگو و دنباله‌رو اقمار بی‌ارزش آنها می‌خواستند حرف خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3661>).

۱-۲-۲. اثبات عزم و اراده ملی

«... مسئله هسته‌ای توانست به این ملت عزت‌نفس بدهد. این یکی از ابعاد اهمیت کار شماست. انرژی هسته‌ای کاری است برای ملت، برای کشور، برای آینده. ما خواهیم توانست از صنعت هسته‌ای برای مصارفی که به سود ملی است، استفاده کنیم؛ مسئله این است که این حرکت به جوان‌های این کشور، دانشمندان این کشور، آحاد مردم این کشور، عزم و تصمیم راسخ می‌بخشد و آنها را در این راه ثابت‌قدم می‌دارد؛ این مهم است. این ایستاده نگه داشتن ملت و پیرانگیزه نگه داشتن آحاد ملت، منافع و استفاده‌هایش از خود این صنعت مهم‌تر است ...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124>).

۱-۲-۳. اثبات برنامه پیشرفت ایران

«... با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بروز روحیه خودباوری در میان جوانان، پیشرفت‌های بسیاری در عرصه علم و فناوری به‌دست آمده که دستیابی به فناوری انرژی هسته‌ای، نمونه‌ای از این پیشرفت‌هاست ...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3350>).

۱-۲-۴. اثبات ایستادگی ملت ایران در برابر دشمنان

«... مسئله انرژی هسته‌ای نیست، بلکه تلاش دنباله‌دار دشمن بهانه‌گیر برای جلوگیری از پیشرفت و اقتدار و رونق است و همین واقعیات، موضوع را به مسئله‌ای سرنوشت‌ساز تبدیل می‌کند که باید با درک مصلحت عظیم کشور و آینده ایران بر سر آن ایستاد ...» (<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1366>).

۱-۲-۵. اثبات اعتماد به نفس ملی

«... یکی از نشانه‌های اعتماد به نفس ملی، قدم گذاشتن ملت ایران در میدان‌های کشفیات علمی سطح بالاست؛ یکی‌اش مسئله انرژی هسته‌ای است...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3415>).

«... مهم‌ترین ویژگی صنعت هسته‌ای کشور این است که دستیابی به این صنعت بسیار مهم، نتیجه انفجار استعدادهای ذاتی جوانان ایرانی بوده است. بنابراین روند پیشرفت در صنعت هسته‌ای باید ادامه یابد...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>).

«... اگرچه از دانش هسته‌ای برای تولید انرژی و همچنین در صنعت، بهداشت، کشاورزی، امنیت غذایی و تجارت استفاده می‌شود، اما مهم‌ترین فایده دانش هسته‌ای در کشور ما تقویت اعتماد به نفس ملی بود...» (<http://leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentshow&id=11656>).

۱-۲-۶. اثبات توان بومی ایران

«... من در مورد مسائل هسته‌ای عرض کنم - بارها به ملت ایران عرض کردیم، باز هم عرض می‌کنیم - این دستاوردی که در قضیه فناوری هسته‌ای به دست ملت ایران افتاد، این دستاورد، عظیم و تاریخی است، و ملت ایران زیر بار منت هیچ‌کس هم نیست؛ این یک دانش بومی است...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3531>).

۱-۲-۷. دانش هسته‌ای و رفاه ملی

«... اتم‌شناسی و علوم هسته‌ای یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشری است که می‌تواند و باید در خدمت رفاه ملت‌های جهان و رشد و توسعه همه جوامع انسانی باشد. گستره کاربرد علوم هسته‌ای، طیف وسیعی از نیازهای پزشکی، انرژی و صنعتی را پوشش می‌دهد که هر یک از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است. به این دلیل می‌توان گفت که فناوری هسته‌ای جایگاه برجسته‌ای را در حیات اقتصادی به خود اختصاص داده و با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی، پزشکی و انرژی، به‌طور فزاینده‌ای، اهمیت آن بیشتر خواهد شد، و به همین میزان، تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای و بهره‌گیری از آن نیز افزایش می‌یابد.» (<http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=228>).

۱-۲-۸. انرژی هسته‌ای و قدرت اقتصادی

«اینها می‌خواهند ۱۵ سال ۲۰ سال آینده، ملت ایران برای نیاز صنعتی و کشاورزی و برای جریان حیات در کشور خود، محتاج آنها باشد؛ برود در خانه آنها؛ اهمیت انرژی هسته‌ای این است...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3332>).

۱-۲-۹. فناوری هسته‌ای و مدیریت انرژی

مقام معظم رهبری با اشاره به پایان تدریجی منابع فسیلی در سال‌های آینده و روی آوردن کشورهای مختلف جهان از جمله آمریکا و اروپا به انرژی‌های پاک به‌ویژه انرژی هسته‌ای می‌فرماید: «همه جهان برای پیشرفت و اطمینان به آینده، از فناوری هسته‌ای استفاده می‌کند و ما نیز تأکید می‌کنیم فناوری هسته‌ای و چرخه سوخت هسته‌ای، حق مسلم ملت ایران است و ملت ما، بنده و هیچ مسئولی به هیچ قیمتی زیر حرف زور آمریکا نخواهیم رفت...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3332>)

براساس این بخش از بیانات رهبر انقلاب، هدف‌گذاری کلان جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر استفاده صلح‌آمیز از صنعت راهبردی هسته‌ای، تقویت روحیه خودباوری، اعتمادبه‌نفس ملی و هویت ایرانی - اسلامی ملت ایران است؛ چراکه به ثمر نشستن تلاش‌های یک ملت بدون اتکا به کمک‌های خارجی و با ابتدا به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی، پشتوانه مستحکمی برای خودباوری و اعتمادبه‌نفس آن ملت خواهد بود. بنابراین در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و براساس اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، خودباوری علمی در اتصال تاریخی با اعتمادبه‌نفس ملی می‌تواند زمینه پیشرفت و جبران تمام عقب‌ماندگی‌های گذشته را فراهم آورد و این موضوع دقیقاً در نقطه مقابل گفتمان سلطه رایج در نظام بین‌الملل می‌باشد.

۱-۳. فناوری هسته‌ای و رهنامه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

یکی از موضوعاتی که از ابتدای شروع مناقشه هسته‌ای مطرح بوده و بهانه امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی توسط غرب را فراهم آورده، موضوع مطالعات ادعایی درخصوص برنامه نظامی هسته‌ای ایران بر مبنای یکسری اطلاعات دروغین و انحرافی بوده است. در این چارچوب، ایالات متحده آمریکا بدون توجه به واقعیات در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و پافشاری غیر منطقی بر این داده‌ها و اطلاعات غلط، زمینه را برای استمرار مناقشه هسته‌ای فراهم نموده

است. با این حال بررسی کنش‌های گفتاری مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در خصوص غیرشرعی بودن استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، نشان‌دهنده این موضوع است که سلاح‌های هسته‌ای هیچ جایگاهی در رهنامه دفاعی - امنیتی این کشور نداشته است. دلایل برگرفته از رهنمودهای مقام معظم رهبری مبنی بر صلح‌آمیز بودن چرخه دانش و فناوری هسته‌ای و حرمت شرعی ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، این موضوع را کاملاً تبیین می‌نماید:

۱-۳-۱. نفی سلاح‌های هسته‌ای

«... ما سلاح هسته‌ای را نمی‌خواهیم؛ این در سلسله نیازها و نظام تسلیحاتی ما اصلاً وجود ندارد. ما اعلام کردیم که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از نظر اسلام حرام و ممنوع است؛ و نگهداشتن آن ایجاد خطر بزرگ و یک دردسر بزرگ است...» ([http://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=7089-](http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=7089-)

۱-۳-۲. اصل حرمت سلاح‌های هسته‌ای

«... ما به‌کارگیری سلاح هسته‌ای را با احکام اسلامی مخالف می‌دانیم؛ این را صریحاً بیان کرده‌ایم. ما تحمیل هزینه‌های ساخت سلاح هسته‌ای و نگهداری آن را بر ملت خودمان یک تحمیل بیجا و بی‌مورد می‌دانیم. ساخت چنین سلاحی و نگهداری آن، هزینه‌های زیادی دارد و ما به‌هیچ وجه جایز نمی‌دانیم که این هزینه بر مردم تحمیل شود...» ([http://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=3341-](http://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=3341-)

۱-۳-۳. عدم نیاز به سلاح هسته‌ای

«... واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری، نظری و فقهی ما این کار را خلاف می‌دانیم و این حرکت را حرکت خلافی می‌دانیم، ما استفاده از این تسلیحات را گناه بزرگ می‌دانیم و نگهداشتنش را یک کار بی‌بهره، پرخطر و پرخطر می‌دانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124->

۱-۳-۴. مخالفت با سلاح هسته‌ای در گستره جهانی

«... ما نمی‌خواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به‌خاطر اینکه آمریکا ناراحت می‌شود؛ عقیده خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛

آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده ماست...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22042>).

۱-۳-۵. بهانه‌جویی آمریکا

از طرفی مقام معظم رهبری، علت اصلی مخالفت آمریکا با استفاده صلح‌آمیز ملت ایران از انرژی هسته‌ای را بهانه برای ادامه جنگ روانی با نظام اسلامی و جلوگیری از پیشرفت‌های ایران در عرصه علم و فناوری می‌دانند؛ زیرا در «جهان امروز قدرت علمی مبنا و پایه قدرت اقتصادی و سیاسی است و آمریکایی‌ها با درک این نکته تلاش می‌کنند روند تبدیل ایران را به قدرتی علمی سد کنند» (<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1158&p=3>).

«... امروز توانایی ملت ایران و جوانان این کشور در دستیابی به فناوری فاخر و بومی استفاده از دانش هسته‌ای، دستگاه سلطه و استکبار را به شدت سراسیمه کرده و هیاهو و جنجال‌های آنها نیز ناشی از این سراسیمگی است؛ زیرا قدرت‌های سلطه‌گر نمی‌خواهند ملت‌ها صاحب توانایی علمی مستقل شوند» (<http://farsi.khamenei.ir/new-content?id=1357>).

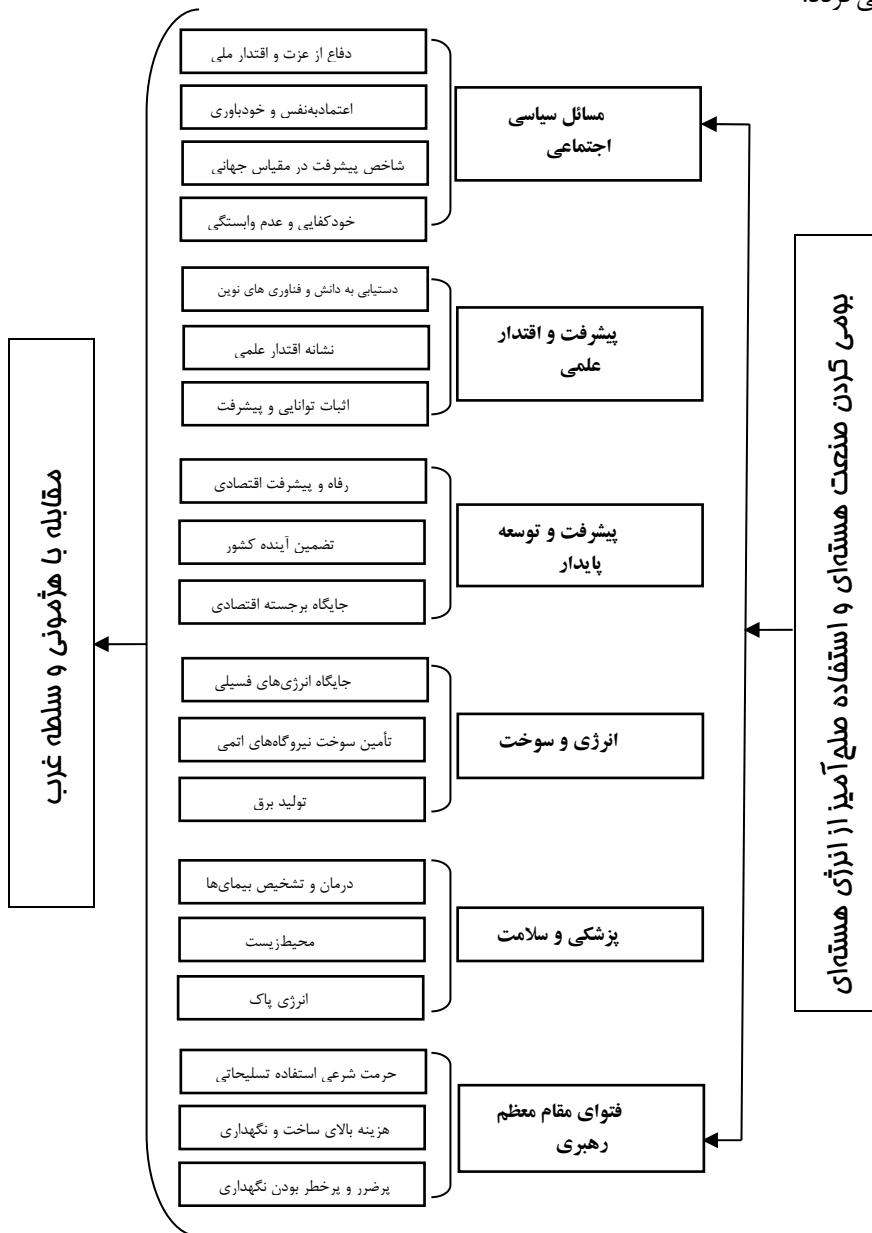
۱-۳-۶. تقابل با سلطه‌طلبی آمریکا

«... آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که تولید بمب اتم در ایران افسانه است و هیچ واقعیتی ندارد. آنها در واقع از شکل گرفتن ایران قدرتمند مستقل اسلامی، پیشرفته و برخوردار از فناوری‌های مدرن، نگرانند و سعی می‌کنند با جار و جنجال راه پیشرفت ملت ایران را سد کنند و این کشور را همیشه نیازمند خود نگهدارند؛ اما ملت ایران برخوردار از انرژی و فناوری مدرن هسته‌ای را حق خود می‌داند و از این حق نمی‌گذرد...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3274>).

چهار. الگوی مفهومی استراتژی هسته‌ای ایران؛ رویکرد معطوف به گفتمان

با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده از متن سخنان مقام معظم رهبری و نیز با استفاده از روش تحلیل گفتمان، الگوی مفهومی و تحلیلی زیر ترسیم می‌گردد. این الگوی مفهومی با استراتژی معطوف به گفتمان جمهوری اسلامی برای دستیابی به صنعت بومی و راهبردی هسته‌ای شکل گرفته و در یک تقسیم‌بندی کلی، پنج نیاز اصلی کشور را تضمین می‌نماید و در

نهایت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، هویت و اقتدار نظام در برابر هژمونی و سلطه غرب حفظ می‌گردد.



نتیجه

مقاله حاضر با تبیین رویکرد آمریکا در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران و نگاهی به اندیشه‌ها و راهبردهای مقام معظم رهبری در رابطه با این موضوع، در پاسخ به این پرسش مبنایی که ریشه‌های منازعه استراتژیک بین ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای چیست، به طرح این فرضیه پرداخت که ریشه اصلی منازعه بین دو طرف، منازعه ناشی از تضاد گفتمانی و نظام معنایی و هویتی حاکم بر آنها بوده و در همین چارچوب نیز دلایل اصلی شکل‌گیری چالش، مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت. بر مبنای یافته‌های پژوهشی مقاله حاضر، ریشه اصلی شکل‌گیری و استمرار منازعه میان ایران و غرب - به‌ویژه آمریکا - در حوزه‌های مختلف راهبردی به‌ویژه موضوع هسته‌ای، ناشی از تضاد گفتمانی و نظام معنایی است که هویت آنها براساس آن شکل گرفته است. گفتمان حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران یک گفتمان ارزشی - هنجاری بوده که از همان ابتدای وقوع انقلاب اسلامی هویت خود را در تضاد با گفتمان مادی‌گرایی لیبرال دموکراسی غرب بازتعریف نموده است. جمهوری اسلامی ایران بر پایه مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگ اسلامی، یعنی استقلال‌طلبی و نفی سلطه و انحصار قدرت‌های بزرگ در عرصه فناوری‌های مدرن و دانش‌های نوین، به‌دنبال بومی کردن صنعت هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از آن می‌باشد. بر همین مبنای، مقام معظم رهبری مسئله هسته‌ای را یک نیاز حقیقی، حرکتی علمی، اقدامی تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز تلقی نموده و استفاده صلح‌آمیز از این فناوری را ضرورتی عینی و نیازی اجتناب‌ناپذیر برای آینده کشور دانسته و هرگونه عقب‌نشینی در برابر تحمیلات نظام سلطه را به‌معنای شکستن استقلال کشور تلقی می‌نمایند؛ شکستی که هزینه بسیار گزافی را به ملت ایران تحمیل کرده و زنجیره‌ای تمام نشدنی از فشارها و عقب‌نشینی‌ها در سایر حوزه‌های راهبردی بین ایران و غرب را در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر استراتژی اصلی واشنگتن نیز در درازمدت، تحلیل انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل غرب‌محور بوده و در یک استراتژی گام‌به‌گام و تدریجی، فرسایش مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف راهبردی را دنبال می‌نماید. از این‌رو باید گفت تا زمانی که این منازعه گفتمانی در روابط ایران و آمریکا و به‌طور کلی مجموعه غرب فعال باشد، مناقشه هسته‌ای نیز استمرار خواهد یافت. اگرچه با اتخاذ تاکتیک‌های موضعی و موقتی مانند راهبرد

نرمش قهرمانانه از طرف ایران و پذیرش برنامه محدود غنی‌سازی ایران از طرف غرب، ممکن است سطح تنش‌ها تا حدودی کاهش یابد، اما در درازمدت این تنازع و نبرد گفتمانی در این موضوع و سایر حوزه‌های راهبردی استمرار خواهد داشت. در واقع منازعه بین ایران و غرب در حوزه‌های مختلف راهبردی از ابتدای انقلاب اسلامی، ترجمه نبرد و تنازع گفتمانی بین دو طرف بوده و در یک روند تاریخی، نه تنها این منازعات و اختلافات کاهش نیافته، بلکه با انتقال از حوزه‌ای به حوزه دیگر تعمیق یافته و پایانی بر آن متصور نیست، مگر اینکه یک طرف منازعه از اهداف و آرمان‌های خود کوتاه آمده یا دچار فرسایش و فروپاشی ساختاری گردد.

فهرست منابع

- زهرانی، مصطفی، «مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران»، فصلنامه بررسی مسائل اقتصادی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- _____، «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزین جنگ یا مؤلفه اصلی مهار»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹.
- سید صادق، رسول، **روش‌شناسی علوم سیاسی**، ویراست سوم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.
- Daniel w.drezner “A Realistic Approach to Iran’s Nuclear Program at:<http://www.foreignpolicy.com/2009/03/19>
- Fiore, Massimiliano, **Israel and Iran’s Nuclear Weapon Programme: Roll Back or Containment?**, Institute Affair International, IAI Working, 2011.
- Fuhrman & sechser ,2011 “ Time for Diplomatic Offensive against Iran “ at:<http://www.cfr.org>
- Hammond, Jeremy, "Iran is singled out because it defies Washington", at:<http://www.foreignpolicyjournal.com>, 2011.
- <http://farsi.khamenei.ir>.
- http://walt.foreignpolicy.com/posts/2009/03/19/a_realistic_approach_to_irans_nuclear_program.
- <http://www.israelnationalnews.com/Articles/Article.aspx/10507>, 2011.
- <http://www.nytimes.com/2010/04/06/world/06arms.html>, 2010.
- <http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,1151823,00.html>, 2006.
- <http://www.usnews.com/opinion/mzuckerman/articles/2010/06/25/3-steps-to-stopiran-from-etting-a-nuclear-bomb>.
- Inbar, Efraim, "The Need to Block a Nuclear Iran", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 10, No. 1, 2006.
- Istvan Balogh. 2010 “The Us, Israel and Iran: Diplomacy is still the best option-the good cop/bad cop approach? “ At:<http://www.cenna.org/analysis>

- Kemp, G, "How To Stop Iranian Bomb?", **The National Interest**, Vol 72, 2003.
- Leverett and Ledeen, "Debate on Iran Nuclear", available in: <http://www.acus.org>, 3March 2010.
- Mcfaul , " A Win Win U.S. Strategy for Dealing with Iran " at: <http://Stanforduniversity.edu/wp-content>
- Sagan, Waltz and Betts, "A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster", **Journal of International Affairs**, 2007.